

سخن نخست

نیم‌نگاهی بر مبادی تدوین در تاریخ شفاهی

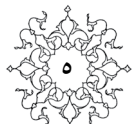
علیرضا کمری^۱

ضرورت حفظ اصالت و صیانت ذهن و زبان مراجع روایت در فرایند بازشناسی و بازیابی به خاطر داشته‌های آنان و تنظیم و تألیف یافته‌ها در پیکره‌ای انداموار، چندان که حق مطلب ادا شود، توجه به اصول و مبادی تدوین در تاریخ شفاهی را ضروری می‌کند.

درنگ در معنای تدوین و نقش مهندسی‌گونه مدوّن، پرسش‌های جدی‌تری را در تاریخ شفاهی پیش می‌کشد، از جمله چرا نمی‌توان هر نوع مُجالست و گفت‌و شنودی را مصاحبه/محادّثه در تاریخ شفاهی خواند؟ چرا هر نحو گزاره و قلم‌اندازی را نمی‌توان متن مدوّن قلمداد کرد؟ چگونه ممکن است در میانه عقل و احساس، و ضرورت تتبع و آزاداندیشی به اعتدال و توازن راه یافت؟ نظر داشت این‌گونه نکته‌ها و درنگانه‌ها نشان از سه چیز دارد: **یک**، ضرورت پیمودن راهی نه‌چندان هموار و کوتاه در تاریخ شفاهی از قلمرو نظر تا عمل؛ **دو**، اهمیت و ضرورت پژوهش در ماهیت تاریخ شفاهی و تاریخ‌شناسی؛ **سه**، مطالعه و آموزش پیوسته و تهیه و تدارک درس‌گفتارها/درس‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌ها.

۱/ اجمالاً می‌توان گفت مجموعه مباحث و موضوعات مترتب بر تاریخ شفاهی متمرکز بر مقولات نظری/معرفتی و مباحث راه‌بردی و عملی است. مع‌هذا تفکیک میان این دو قلمرو بالذاته وجه نظری/شناختی دارد و در واقع فهم درست از تاریخ شفاهی مقدم و مقوم نحوه عمل در این طریق است. از سویی دیگر تأمل در تجربه‌های عینی و عملی در تاریخ شفاهی ابعاد نظری آن را قوّت و غنا می‌بخشد. اما در منصفه اجرا و عمل تاریخ شفاهی متکفل ورود (به) و عبور از چهار مرحله و مقطع به‌هم پیوسته است: شناخت مسئله‌ها و موضوعات و مراجع روایی آنها، مصاحبه و محادّثه با مراجع روایی (کنشگران، شاهدان و سامعان پدیده‌ها و رویدادها)، تدوین/تدوین و

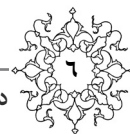
۱- نویسنده و پژوهشگر حوزه مطالعات فرهنگی



نگارش فرایافته‌های حاصل از مصاحبه و اسناد و مدارک، [آرشیو] عرضه و انتشار. بنای مقاله‌واره پیش‌روی بر آن است به‌اختصار پاره‌ای از نکته‌ها و درنگانه‌های درخور توجه درباب مبادی تدوین در تاریخ‌شفاهی را طرح و رونمایی کند.

۲/ «تدوین»، اسم مصدر (عربی، بر ساخته از دَوْن) به معنی جمع‌آوری کردن و نوشتن است. کلمه‌هایی که معمولاً به‌عنوان واژه‌های مکمل، مُرادف و قریب‌المعنا/ همپوشان با تدوین به ذهن و زبان متبادر می‌شوند عبارتند از: تنظیم، تألیف، تبویب، تحریر، تحقیق، تصحیح، تصنیف و امثالهم که همه آنها عربی و متعدی هستند. لذا ماهیت و معنای تدوین اولاً نشان‌دهنده وقوع فعل/ عمل است و ثانیاً تحقق آن متکی به فاعل است. به دیگر سخن، عمل تدوین مؤید وجود «مدوّن» است و بدون آن تدوین صورت نمی‌پذیرد. ثالثاً وجود فاعل و تحقق فعل/ عمل تدوین، در مفعول یعنی «مدوّن» موجودیت و ظهور پیدا می‌کند. شایان توجه است که معنای دقیق واژه‌های مرادف و هم‌عرض با تدوین در زبان فارسی با معنی عرفی و اصطلاحی آنها در زبان عربی یکسان نیست و این کلمات تسامحاً توسعاً در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند. در عین حال به ملاحظه نسبت میان اعم و اخص، در معنای عام و فراگیر تدوین، ترتیب و تنظیم و تألیف و ... مجاز و مقدر است. برابرنهاده کلمه تدوین در زبان انگلیسی completion (به معنی ترکیب و کامل کردن) و در زبان فرانسوی montage (چینش کردن/ متصل کردن قطعات) است. در زبان فارسی معادل سره و سراسازی که بتواند در یک واژه معنای مندرج در تدوین را جای دهد و محل قبول و کاربست همگان قرار گیرد تا به حال موضوع بحث و وضع واقع نشده است. از این‌رو غالباً در معرفی مدوّن بر روی جلد و صفحه حقوق/ شناسنامه کتاب‌ها به زبان فارسی از تعبیر متعددی از قبیل به‌کوشش، به‌اهتمام، پژوهش و نگارش، گفت‌وگو و تدوین، بازآفرینی و تدوین، گردآوری و تنظیم، تدوین و تنظیم، تحقیق و تدوین، تدوین و نگارش استفاده می‌شود. فی‌الجمله آنچه از مفهوم عام کلمه تدوین در کتاب‌گری و کتابکاری مستفاد می‌شود فراهم‌سازی و سامان‌دهی متن در قالب نوشتار است.

۳/ مقصود از تدوین آن است که مواد و مصالح سازنده متن (پس از احصا و شناسایی و گردآوری و نقد و شناخت) آن‌گونه مرتب و منظم، تلفیق و ترکیب (و عنداللزوم گویاسازی متشابهات و مبهمات) و تبویب شود که حاصل عمل در حداکثر امکان صحت، دقت، جامعیت، اصالت و استناد افاده معنا کند. از این حیث عمل تدوین، مهندسی و معماری متن است. قصد از تدوین علمی و برهانی و نه هنری و ادبی، معنایابی و کشف است و نه معنادهی و جعل. مطلوب منظور این است که یافته‌ها و فراهم‌آورده‌ها، یعنی پرسش‌ها و پاسخ‌های مورخ پُرسا/ مصاحبه‌کننده و مرجع روایت/ مصاحبه‌شونده به انضمام (یا بدون انضمام و پیوست) شواهد و مدارک و اسناد در چه سازه و کالبدی بایسته است ریخته و روایت شود. متن مشتمل بر سازه/ کالبد/ پیکره و زبان است. این



دو، یعنی شکل و زبان، به‌مثابه ظرف، مظلوف را در خود جای می‌دهد و به‌نظر می‌آورد. مظلوف دربرگیرنده موضوع و مضمون و محتوای اثرست. ناگفته پیداست نوع سازه یا شکل و سنخ زبان روایت در معنا و دلالت محتوای متن مدخلیت و تأثیر بسیار دارد. این نقش و تأثیر در جایی که مدوّن خود مصاحبه‌کننده با مرجع روایت است به وجه مضاعف زیادت می‌گیرد تا آنجا که مورخ پُرسا/ مصاحبه‌کننده تدوینگر را تا مرتبه محقق مؤلف/ پژوهنده نگارش‌گر/ نویسنده، ارتقا می‌دهد. علی‌العجاله دو نکته در این‌جا حائز توجه می‌نماید: اول این‌که به میزان خبرویت/ دانش و تجربه، خصائص روحی و سلوک و منش فردی و کارویژه و نقش تدوین‌کننده، می‌توان از درجات و مراتب تدوینگران و به همین اعتبار از انواع تدوین در تاریخ شفاهی سخن‌ها گفت؛ و ثانیاً به همین ملاحظه، یعنی نقش تدوین‌کننده در کیفیت متن پدیدار آمده به دیده نقد و شناخت تأمل ورزید. رد و نشان تجربه زیسته، آفاق خیال و اندیشه و تعلقات درونی تدوین‌کننده در متن ممکن است ارادی و آگاهانه و یا نادانسته و غیرارادی باشد. مفهوم این منطوق آن است که خوانشگر و مخاطب متن (ضلع مهجور در تاریخ شفاهی) از ورای اندیشه و زبان، گروش و نگرش تدوین‌کننده، یعنی بازروایتگر رویداد به ماجرا و موضوع مندرج در متن می‌نگرد. در این صورت تدوین و روایت، بالذاته یک رخداد مجدد و رویدادی پُسارویدادی و مع‌الواسطه است.

۴/ التفات و التزام به اصالت و صیانت ذهن و زبان مراجع روایت در بازشناسی و بازیابی به خاطر داشته‌های آنان (و نه فقط خاطرات آنها) و تنظیم و تألیف یافته‌ها در پیکره‌ای انداموار بر قاعده و قائمه احقاق حق و اقامه عدل (در حداکثر امکان تحقق) استوار است؛ کار مورخ قضاوت نیست، اما حاصل عمل شناساندگان رویدادها و کنشگران وقایع، خواه‌ناخواه، نزد مخاطبان به داوری‌ها راه می‌برد. در این‌جا تاریخ به‌مثابه ترازو محل نقد و اعتبار فرض و تلقی می‌شود. لطیفه‌ای است باریک و ظریف که چگونه تدوینگر و مصاحبه‌کننده می‌تواند در عین حضور و ایفای نقش در رخداد روایت واقعه و سطر به سطر آن از حجاب خودی خود غایب شود و بگذرد تا بتواند به جای نقش‌پردازی و نگارگری، آیینگی و آینه‌داری کند. درنگ در این موضوع افزون بر لزوم پاسخ‌دهی به چپستی تدوین، کیستی تدوین‌کننده و لاجرم مصاحبه‌گر را پیش می‌آورد. زیرا همان‌گونه که نمی‌توان هر نوع مجالست و گفت‌ووشنودی را مصاحبه/ محادثه در تاریخ شفاهی خواند، هر نحو گزاره و قلم‌اندازی را نمی‌توان متن مدوّن قلمداد کرد. بحث معطوف این دقیقه است که چگونه ممکن است در میانه عقل و احساس، و ضرورت تتبع و آزاداندیشی به اعتدال و توازن راه یافت. نظر داشت این‌گونه نکته‌ها و درنگانه‌ها که از بسیارشان به شماری چند در این مختصر بسنده شد نشان از آن دارد که در تاریخ شفاهی از قلمرو نظر تا عمل راهی نه چندان هموار و کوتاه می‌باید پیمود. این امر همچنان اهمیت و ضرورت پژوهش در ماهیت تاریخ شفاهی و مباحث موضوعه تاریخ‌شناسی و مطالعه و آموزش پیوسته و تهیه و تدارک درس‌گفتارها/ درس‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌ها در این مقوله و موضوع را پیش می‌کشد و فرایاد می‌آورد.

